

مدل سازی بر پایه تجارب بین المللی برای توانمندسازی مهارتی

نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست

محمد جواد حسین زاده سلجوقی^۱

بهاره مقیمی^۲

علیرضا محرابی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

چکیده

این پژوهش با هدف طراحی یک مدل بومی برای توانمندسازی مهارتی نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست، متناسب با مأموریت های مؤسسه خیریه کوثر ایران انجام شده است. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر تحلیل سیاست تطبیقی بوده و داده ها از طریق بررسی اسناد رسمی، گزارش های میدانی ثانویه و آمار نهادهای بین المللی مانند OECD، ILO، UNESCO و بانک جهانی گردآوری شده است. تجارب موفق چهار کشور منتخب شامل آلمان، کانادا، مالزی و هلند در چهار محور اصلی ساختار نهادی و حکمرانی مشارکتی، محتوای آموزشی و شیوه اجرا، خدمات اجتماعی و حمایتی مکمل، و نظام ارزیابی و پیوند با اشتغال—مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که موفقیت این کشورها در گرو وجود ساختار چندسطحی تصمیم گیری، تلفیق آموزش فنی و مهارت های نرم، ادغام خدمات روانی-اجتماعی در فرآیند یادگیری، و پایش مستمر مسیر اشتغال است. بر این اساس، مدل بومی «مرکز مهارت آموزی تحول گرا (TMEC)» طراحی شد که با ترکیب سه مسیر آموزشی (فنی، نرم، کارآفرینانه) و خدمات حمایتی چندلایه، نوجوانان را از وابستگی به خوداتکایی هدایت می کند. این مدل در سه فاز پایلوت محلی، توسعه منطقه ای و ملی سازی قابل اجراست و می تواند الگویی برای تحقق عدالت اجتماعی، اشتغال پذیری پایدار و توسعه انسانی در مناطق کمتر برخوردار باشد.

کلیدواژه ها: توانمندسازی مهارتی؛ نوجوانان بی سرپرست؛ نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست؛ مؤسسه خیریه کوثر.

^۱ استادیار، دکتری مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت، تهران، ایران، دانشگاه جامع علمی و کاربردی واحد خراسان رضوی، saljoughi@uast.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت، گناباد، ایران، مرکز آموزش علمی کاربردی کوثر گناباد baharehmoghimif69@gmail.com

^۳ کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد، گناباد، ایران مؤسسه خیریه کوثر mehrabi75@chmail.ir

مقدمه

در جهان امروز، جایی که شکاف‌های طبقاتی، نابرابری‌های ساختاری، و نوسانات اقتصادی همواره در حال بازتولید هستند، یکی از مؤثرترین و پایدارترین راهبردها برای مواجهه با چرخه فقر مزمن، توانمندسازی گروه‌های اجتماعی در معرض آسیب است (پریچت؛ ۲۰۰۹)؛ به‌ویژه آن دسته از نوجوانانی که از حمایت‌های اولیه خانوادگی و نهادی محروم‌اند. نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست نه تنها با مشکلاتی مانند محرومیت آموزشی، کمبود اعتمادبه‌نفس، نبود الگوهای نقش مثبت، و آسیب‌های روانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بلکه اغلب قربانی فرایندهایی هستند که آن‌ها را در موقعیت‌های اجتماعی پایین نگه می‌دارد و امکان ارتقاء اجتماعی را از آنان سلب می‌کند (سایل؛ ۲۰۱۵). برای این گروه، فرصت‌سازی در قالب آموزش‌های مهارتی نه یک اقدام تجملی یا صرفاً حمایتی، بلکه ضرورتی راهبردی در مسیر بازتعریف نقش آن‌ها در جامعه و اقتصاد است.

توانمندسازی مهارتی در سطح نوجوانان، به‌ویژه نوجوانان بدون پشتوانه خانوادگی، از آن رو اهمیت مضاعف می‌یابد که در تقاطع چند حوزه کلان قرار دارد: سیاست‌گذاری اجتماعی، توسعه سرمایه انسانی، انسجام فرهنگی، و عدالت آموزشی (دلکاره؛ ۲۰۱۳). در سال‌های اخیر، کشورهایی که سرمایه‌گذاری هدفمند و بین‌بخشی در حوزه آموزش‌های مهارتی انجام داده‌اند، به وضوح نشان داده‌اند که رویکرد تلفیقی میان آموزش رسمی، حمایت اجتماعی و پیوند با بازار کار می‌تواند منجر به تغییر واقعی در سرنوشت نسل‌های آینده شود. تجربه‌های موفق جهانی حاکی از آن‌اند که توانمندسازی نوجوانان در معرض آسیب، زمانی پایدار خواهد بود که بخشی از یک زیست‌بوم حمایتی باشد که در آن، آموزش، حمایت روانی-اجتماعی، خدمات رفاهی، و مشارکت ذی‌نفعان به صورت هم‌افزا عمل کنند (دی قابی؛ ۲۰۱۴).

در ایران، مؤسسات خیریه‌ای چون مؤسسه خیریه کوثر شهرستان گناباد به‌عنوان کنشگران میان‌رشته‌ای و مردمی، در جایگاهی منحصربه‌فرد برای ایفای این نقش قرار دارند. با بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی بالا، دسترسی مستقیم به گروه‌های هدف، و امکان همکاری با نهادهای مختلف، این مؤسسات قادرند الگویی پویا برای تبدیل نوجوانان آسیب‌پذیر به سرمایه‌های انسانی مولد ارائه

^۱Pritchett^۲Supplee^۳DeJaeghere^۴De Gobbi

دهند. با این حال، تجربه های موجود نشان می دهد که اغلب اقدامات در این حوزه فاقد انسجام راهبردی، مدل اجرایی شفاف و پیوند سیستماتیک با نیازهای بازار کار بوده اند. در نتیجه، بخش قابل توجهی از تلاش ها علی رغم نیت خیر، نتوانسته اند به نتایجی پایدار و گسترده بینجامند.

بر همین اساس، نیاز به طراحی یک مدل سیاستی بومی سازی شده که هم از تجارب موفق جهانی الهام بگیرد و هم با اقتضائات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهرستان گناباد سازگار باشد، بیش از هر زمان دیگر احساس می شود. پژوهش حاضر در پاسخ به این ضرورت، با رویکردی تطبیقی و تحلیلی، به بررسی سیاست های مهارت آموزی و اشتغال پذیری نوجوانان در چهار کشور منتخب - آلمان، کانادا، هلند و مالزی می پردازد و تلاش می کند بر اساس استنتاج از مؤلفه های کلیدی این مدل ها، الگویی تلفیقی، مشارکتی و قابل پیاده سازی برای مؤسسه خیریه کوثر شهرستان گناباد طراحی کند؛ الگویی که نه فقط مسئله آموزش، بلکه موضوع رشد فردی، بازسازی امید، و بازتعریف نقش نوجوان در جامعه را نیز مدنظر قرار دهد.

روش تحقیق:

مطالعه حاضر بر پایه رویکرد کیفی و با بهره گیری از رهیافت روش شناختی «تحلیل سیاست تطبیقی» طراحی شده است؛ رویکردی که در بستر مطالعات سیاست گذاری تطبیقی، به عنوان ابزاری کلیدی برای شناسایی، تفسیر و بومی سازی تجارب موفق در نظام های مختلف حکمرانی شناخته می شود. تحلیل سیاست تطبیقی، برخلاف صرف مقایسه توصیفی، در پی آن است که با واکاوی عمیق بنیان های نهادی، فرهنگی و اجرایی سیاست ها، زمینه انتقال و انطباق گزینشی تجارب را برای بافت های متفاوت اجتماعی فراهم سازد. این رویکرد، امکان حرکت از سطح مطالعه ای صرف به سطح مدل سازی سیاستی را مهیا می کند؛ خصوصاً زمانی که هدف، طراحی الگوی مداخله ای سازگار با ساختارهای ملی و منطقه ای است.

داده های مورد استفاده در این پژوهش از طریق روش های کتابخانه ای پیشرفته، تحلیل اسناد، مطالعه گزارش های سیاستی، و بررسی میدانی منابع ثانویه معتبر گردآوری شده اند. به منظور دستیابی به شواهد معتبر و متکثر، از منابع زیر بهره برداری شده است:

- اسناد رسمی سیاست گذاری و برنامه های کلان کشورهای مورد بررسی، شامل چارچوب های راهبردی ملی، نقشه های راه مهارتی، قوانین حمایتی مرتبط با نوجوانان، و برنامه های اقدام؛

• مطالعات موردی و گزارش‌های میدانی منتشر شده توسط نهادهای غیردولتی بین‌المللی و محلی که تجارب اجرایی پروژه‌های توانمندسازی نوجوانان را در مقیاس‌های محلی و منطقه‌ای مستندسازی کرده‌اند؛

• گزارش‌های تحلیلی و داده‌های آماری منتشرشده توسط نهادهای معتبر جهانی مانند بانک جهانی؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی؛^۲ سازمان بین‌المللی کار^۳، یونسکو^۴، و صندوق کودکان ملل متحد^۵ که ضمن ارائه شاخص‌های کمی، زمینه تحلیل عمیق‌تری از اثرات سیاست‌های مهارتی فراهم کرده‌اند.

تحلیل داده‌ها در این مطالعه، در قالب چارچوبی چهارلایه سامان یافته است که از تجزیه عناصر کلیدی در سیاست‌های آموزشی و رفاهی چهار کشور منتخب (آلمان، کانادا، مالزی و هلند) به‌دست آمده است :

۱. ساختار نهادی سیاست‌ها: نحوه سازمان‌دهی سطوح مختلف حاکمیتی در طراحی و اجرای برنامه‌های مهارت‌آموزی، ترکیب بازیگران دخیل (دولت، NGOها، بخش خصوصی، جوامع محلی)، و مکانیزم‌های نظارت و پاسخگویی؛
۲. محتوای آموزشی و شیوه‌های اجرایی: نوع آموزش‌ها (رسمی، غیررسمی، ترکیبی)، میزان انعطاف‌پذیری برنامه‌ها، طراحی ماژول‌های مهارتی، میزان انطباق با بازار کار، و بکارگیری فناوری‌های آموزشی؛
۳. خدمات اجتماعی و حمایتی مکمل: تنوع و گستره خدماتی مانند مشاوره روانی، آموزش مهارت‌های زندگی، خدمات تغذیه، اسکان، بیمه اجتماعی و مراقبت‌های سلامت که به‌منظور حمایت چندلایه از نوجوانان در جریان فرآیند توانمندسازی ارائه می‌شوند؛
۴. نظام‌های پایش، ارزیابی و اتصال به اشتغال: سازوکارهای اندازه‌گیری اثربخشی برنامه‌ها، سنجش شایستگی، گواهی‌نامه‌دهی، ردیابی مسیر شغلی فارغ‌التحصیلان، و ایجاد پل ارتباطی با بازار کار یا فرصت‌های خوداشتغالی.

^۱World Bank^۲OECD^۳ILO^۴UNESCO^۵UNICEF

برای اطمینان از دقت تحلیلی و انسجام استدلالی در استنتاج سیاستی، از مثلث‌بندی اسنادی-ثانویه بهره گرفته شد؛ بدین معنا که هر یافته کلیدی با اتکا به سه دسته شواهد مستقل اعتبارسنجی شده است:

(۱) اسناد و چارچوب‌های رسمی سیاستی (مانند گزارش‌ها و توصیف‌های نهادهای Cedefop، کمیسیون اروپا و ESDC)

(۲) آمار و نماگرهای ثانویه منتشره توسط نهادهای معتبر بین‌المللی (نظیر OECD، Canadian Council on Learning و گزارش‌های رسمی یادشده) که صرفاً در سطح توصیفی و مقایسه‌ای برای همخوانی‌یابی روندها به کار رفته‌اند، و

(۳) گزارش‌های میدانی ثانویه و مطالعات موردی منتشرشده از برنامه‌های اجرایی (مانند Pro-Aktiv Center، Eva's Initiatives، Pathways to Education و نمونه‌های TVET در مالزی نظیر MySkills Foundation) که تجربه اجرا را مستند کرده‌اند.

افزون بر این، برای افزایش قابلیت انطباق مدل با بافت شهرستان گناباد، از تحلیل زمینه‌ای بهره گرفته شد تا تفاوت‌های نهادی، فرهنگی و ظرفیتی میان کشورها و ایران—با تأکید بر مقتضیات مؤسسه خیریه کوثر—در طراحی لحاظ شود. بدین ترتیب، مدل نهایی بر ترکیب شواهد اسنادی، آمار ثانویه و گزارش‌های موردی منتشرشده استوار است و مدعی گردآوری داده^۱ میدانی اولیه نیست.

یافته‌های پژوهش

تحلیل تطبیقی کشور آلمان در توانمندسازی مهارتی نوجوانان آسیب‌پذیر

ساختار نهادی سیاست‌ها:

آلمان یکی از پیشگامان جهانی در طراحی و اجرای نظام‌های مهارت‌آموزی است، به‌ویژه از طریق مدل منحصربه‌فرد «آموزش دوگانه»^۱ که در بیش از ۳۲۰ شغل رسمی توسط دولت فدرال به رسمیت شناخته شده است. این نظام بر پایه‌ی شراکت سه‌جانبه میان دولت، بخش خصوصی (شرکت‌ها و اتاق‌های صنایع و بازرگانی) و نهادهای آموزشی (مدارس فنی و حرفه‌ای) بنا شده است و نمونه‌ای از حکمرانی مشارکتی در حوزه سیاست‌گذاری آموزشی به‌شمار می‌رود.

^۱Duale Ausbildung

در این ساختار، دولت فدرال و ایالت‌ها به‌طور مشترک در فرآیند سیاست‌گذاری کلان، تدوین استانداردهای آموزشی، طراحی چارچوب صلاحیت حرفه‌ای، تأمین منابع مالی و نظارت نهایی مشارکت دارند. اتاق‌های بازرگانی مسئول نظارت بر کیفیت آموزش در محیط کار و صدور گواهی‌نامه‌های مهارتی هستند. شرکت‌ها به‌عنوان کارفرمایان آموزش‌دهنده، سهم عمده‌ای در تربیت عملی کارآموزان دارند، و به‌واسطه این نقش فعال، مطالبات بازار کار را مستقیماً وارد فرآیند آموزشی می‌کنند. در کنار آن‌ها، اتحادیه‌های کارگری نیز در مذاکرات مربوط به به‌روزرسانی مهارت‌ها و شرایط آموزش کارآموزان، نقش حمایتی و نظارتی ایفا می‌کنند.

از منظر قانونی، قانون آموزش حرفه‌ای آلمان^۱ و مجموعه مقررات وابسته، چارچوب حقوقی آموزش مهارتی را تنظیم می‌کنند. همین ساختار ترکیبی و شفاف، منجر به ثبات سیاستی و تداوم در اجرای برنامه‌ها شده و موجب شده آلمان یکی از کم‌نوسان‌ترین کشورها در حوزه سیاست‌گذاری آموزشی باشد (اشنایدر، ۲۰۰۷).

محتوای آموزشی و شیوه اجرا:

برنامه‌های آموزش دوگانه آلمان شامل دو مؤلفه اصلی هستند: آموزش نظری در مدارس حرفه‌ای دولتی یا نیمه‌دولتی و آموزش عملی در محیط واقعی کار (شرکت‌ها، کارگاه‌ها، صنایع). نسبت زمانی این دو بخش معمولاً ۳ روز در شرکت و ۲ روز در مدرسه است. کل دوره آموزشی بسته به رشته از ۲ تا ۳٫۵ سال طول می‌کشد.

محتواها شایستگی‌محور^۲ و بر اساس نیازهای واقعی صنعت طراحی شده‌اند. مؤلفه‌هایی مانند مهارت‌های پایه، اخلاق حرفه‌ای، سواد دیجیتال، کار تیمی، مهارت‌های بین‌فرهنگی، و توسعه فردی در کنار آموزش‌های فنی-تخصصی، ساختار اصلی برنامه‌ها را شکل می‌دهند.

برای نوجوانان در معرض آسیب (بی‌سرپرست، پناهجو، دارای ترک تحصیل، یا دارای سابقه بزهکاری)، برنامه‌های سازگار و تسهیل‌گر در نظر گرفته شده است. این برنامه‌ها در مسیر پیش‌نیاز، آن‌ها را با مهارت‌های پایه، زبان آلمانی، آشنایی با فرهنگ کاری و مهارت‌های زندگی تجهیز می‌کند تا امکان ورود موفق به سیستم دوگانه را داشته باشند (سیل، ۲۰۲۰).

^۱Berufsbildungsgesetz

^۲Schneider

^۳Competency-Based

^۴Siebel

خدمات اجتماعی و حمایتی مکمل :

نظام آموزش مهارتی آلمان با مجموعه‌ای از خدمات حمایتی گسترده همراه است که از مرحله ورود تا اشتغال نوجوان را پشتیبانی می‌کند. این خدمات شامل :

• کمک‌هزینه‌های تحصیلی و زندگی (BaföG) : برای نوجوانان کم‌درآمد یا فاقد

سرپرست قانونی؛

• اسکان در خوابگاه‌های دولتی یا مراکز مراقبت جوانان : به‌ویژه برای نوجوانان

فاقد خانواده یا دارای پرونده در Jugendamt ؛

• خدمات روان‌شناسی و مشاوره شغلی فردی در مراکز Jobcenter و

Jugendhilfe؛

• برنامه‌های آماده‌سازی برای آموزش حرفه‌ای (Berufsvorbereitende

Bildungsmaßnahmen BvB): ب‌رای نوجوانانی که آمادگی کامل برای ورود به سیستم

دوگانه ندارند (آوریلی، ۲۰۱۸)؛

• برنامه‌های ویژه برای پناهجویان و مهاجران نوجوان: شامل آموزش زبان،

مهارت‌های اجتماعی، و آشنایی با نظام ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی.

علاوه بر این، پروژه‌های دولتی-محلی نظیر RESPEKT یا Pro-Aktiv Center خدمات

تخصصی برای نوجوانان حاشیه‌نشین یا دارای سابقه آسیب‌پذیری اجتماعی فراهم می‌کنند. این

برنامه‌ها با مشارکت شهرداری‌ها، سازمان‌های خیریه و مراکز روان‌درمانی ارائه می‌شوند (ماسچرینی،

۲۰۱۴).

نظام ارزیابی، پایش و پیوند با اشتغال :

نظام ارزیابی در سیستم آموزش دوگانه بسیار نظام‌مند و مبتنی بر استانداردهای ملی است.

آزمون پایانی^۲ شامل بخش کتبی، عملی و گاهی مصاحبه می‌باشد و تحت نظارت اتاق بازرگانی^۳ یا

اتاق صنایع دستی^۴ برگزار می‌شود.

^۱O'Reilly

^۲Abschlussprüfung

^۳IHK

^۴HWK

اعتبار گواهی نامه صادر شده بسیار بالا است و نزد کارفرمایان داخلی و بین المللی به رسمیت شناخته می شود. این گواهی اغلب شرط استخدام یا ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر است. از سوی دیگر، ساختار رسمی ردیابی فارغ التحصیلان و گزارش گیری مداوم از میزان اشتغال، حقوق دریافتی، و رضایت شغلی وجود دارد. نرخ اشتغال جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله در آلمان بالاتر از میانگین اتحادیه اروپاست و نرخ ترک تحصیل در مسیر آموزش فنی-حرفه ای کمتر از ۵٪ است. نکته حائز اهمیت آن است که در آلمان، بیش از ۶۰٪ از نوجوانانی که وارد سیستم آموزش دوگانه می شوند، پس از پایان دوره در همان شرکتی که آموزش دیده اند مشغول به کار می شوند. این موضوع نشانه ای از اعتماد کارفرمایان به کیفیت آموزش مهارتی و وجود پیوند ارگانیک میان نظام آموزشی و بازار کار است (هااسلر، ۲۰۲۰).

تحلیل تطبیقی کشور کانادا در توانمندسازی مهارتی نوجوانان آسیب پذیر

ساختار نهادی سیاست ها :

کانادا با ساختار حکمرانی فدرالی، به صورت ترکیبی از سیاست گذاری ملی و اجرای ایالتی اداره می شود. در حوزه آموزش های مهارتی و رفاه اجتماعی، هر استان مسئول تدوین و اجرای برنامه های آموزشی و حمایت های اجتماعی است، اما دولت فدرال با سیاست های کلان، بودجه گذاری هدفمند و برنامه های ملی، نقش راهبری و هماهنگ کننده دارد. سیاست های اجتماعی و آموزشی کانادا، به ویژه در حوزه نوجوانان آسیب پذیر، بر اصول برابری فرصت، عدالت اجتماعی، و فراگیری اجتماعی استوار است (دولت کانادا، ۲۰۲۲).

نهادهایی نظیر **Skills Canada** و **Canadian Apprenticeship Forum**

به عنوان نهادهای فرابخشی، مسئول تنظیم نقشه های مهارتی، استانداردسازی صلاحیت ها، توسعه همکاری های ملی-محلی، و ترویج آموزش های حرفه ای هستند. همچنین، وزارت منابع انسانی و توسعه اجتماعی کانادا^۳ به همراه دپارتمان های ایالتی آموزش، سلامت، و خانواده، در سیاست گذاری و تأمین بودجه برای برنامه های حمایتی نوجوانان نقش کلیدی دارند.

^۱Haasler

^۲Government of Canada.

^۳ESDC

الگوی حکمرانی در این حوزه، ترکیبی از سیاست های بالا به پایین^۱ و ابتکارات محلی پایین به بالا^۲ است. سازمان های مردم نهاد^۳، شوراهای محلی، مراکز خیریه، و مدارس جایگزین، با اختیارات گسترده و انعطاف بالا، می توانند برنامه هایی متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی محله های هدف اجرا کنند. (شارپ^۴، ۲۰۰۵).

محتوای آموزشی و شیوه اجرا :

مدل آموزشی کانادا در حوزه نوجوانان در معرض آسیب بر پایه رویکرد شایستگی محور^۵، یادگیری تجربی^۶، و برنامه ریزی فردی آموزشی استوار است. در این رویکرد، آموزش صرفاً محدود به کسب دانش نظری یا فنی نیست، بلکه توسعه مهارت های شناختی، اجتماعی، احساسی، و حرفه ای به صورت یکپارچه هدف گذاری می شود. برنامه های آموزشی برای نوجوانان بی سرپرست، ترک تحصیل کرده، بی خانمان، یا دارای سابقه بزهکاری، در محیط هایی با ساختار منعطف، پشتیبانی گر و غیررسمی تر همچون مدارس جایگزین^۷ و مراکز آموزشی جامعه محور برگزار می شود. این مدارس با ساختارهای کلاس کوچک، روابط مربی محور، استفاده از فناوری و پروژه محور، انگیزش و مشارکت نوجوانان را افزایش داده اند (بانتون برون^۸، ۲۰۲۰).

محتوای آموزشی دربرگیرنده ی ترکیب متعادلی از :

- مهارت های فنی و شغلی (مانند نجاری، برق، آشپزی، برنامه نویسی)،
- مهارت های نرم (حل مسئله، کار تیمی، هوش هیجانی)،
- مهارت های زندگی (مدیریت مالی، بهداشت فردی، روابط بین فردی)،
- سواد دیجیتال و آمادگی شغلی است.

^۱Top-Down

^۲Bottom-Up

^۳NGO

^۴Sharpe

^۵CBT

^۶Experiential Learning

^۷Alternative Schools

^۸Banton-Brown

این برنامه‌ها از طریق چارچوب *Essential Skills Framework* و نظام ملی صلاحیت‌های شغلی^۱ تنظیم شده‌اند و با نیازهای منطقه‌ای تطبیق می‌یابند (وایتلی، ۲۰۲۰).

خدمات اجتماعی و حمایتی مکمل :

یکی از برجسته‌ترین مؤلفه‌های الگوی کانادایی، ادغام فراگیر آموزش و خدمات اجتماعی است. این ادغام به نوجوانان آسیب‌پذیر اجازه می‌دهد که در محیطی جامع، ایمن، و توانمندساز به یادگیری بپردازند.

خدمات مکمل ارائه‌شده شامل :

- مشاوره روان‌شناختی و روان‌درمانی فردی و گروهی
- خدمات اعتیاد، آموزش مقابله با آسیب‌ها و بازتوانی اجتماعی
- کمک‌هزینه‌های مالی، بن تغذیه، پوشاک و حمل‌ونقل رایگان
- برنامه‌های اسکان حمایتی، خانه‌های انتقالی و پناهگاه نوجوانان
- دوره‌های مهارت زندگی، خودآگاهی و آموزش حقوق شهروندی
- برنامه‌های مشارکتی خانواده‌محور برای نوجوانان دارای والد ناسالم (وزارت اشتغال و توسعه اجتماعی کانادا، ۱۹۹۱)

برنامه‌هایی نظیر **Youth Employment and Pathways to Education** و **Skills Strategy** با طراحی خدمات ترکیبی شامل مشاوره تحصیلی، کارگاه‌های توانمندسازی، پیگیری مداوم و ارتباط با بازار کار، نقش محوری در کاهش ترک تحصیل و افزایش امید به آینده ایفا کرده‌اند.

نمونه‌های موفق همچون **Eva's Initiatives for Homeless Youth** در تورنتو، با مدل "Housing + Skills + Mental Health"، توانسته‌اند جوانان بی‌خانمان را در قالب یک مسیر جامع آموزش، بازتوانی و اشتغال هدایت کنند.

^۱Red Seal Program

^۲Whitley

نظام ارزیابی، پایش و پیوند با اشتغال :

نظام ارزیابی و صدور گواهی مهارت در کانادا توسط نهادهای ایالتی و انجمن‌های حرفه‌ای اداره می‌شود و تحت چارچوب **Red Seal**، مدارک مهارتی دارای اعتبار ملی هستند. ارزیابی‌ها معمولاً ترکیبی از آزمون کتبی، پروژه عملی، ارزیابی پورتفولیو و مشاهده عملکرد میدانی هستند.

در حوزه نوجوانان آسیب‌پذیر، فرآیند ارزیابی با تأکید بر **پیشرفت فردی، تعهد به یادگیری، و تقویت انگیزش درونی** انجام می‌شود. مراکز آموزش جایگزین به جای آزمون‌های استاتیک، از ابزارهایی چون مصاحبه، پرونده پیشرفت، مشارکت در فعالیت‌ها، و ارزیابی‌های دوره‌ای برای سنجش شایستگی استفاده می‌کنند (شورای کانادایی مدیران کارآموزی^۱، ۲۰۲۵، مروری بر برنامه نشان قرمز^۲، ۲۰۲۵).

از سوی دیگر، **نظام ردیابی فارغ‌التحصیلان^۳ و پایش طولی^۴** نقش کلیدی در ارزیابی اثربخشی برنامه‌ها ایفا می‌کنند. داده‌ها نشان می‌دهند که نوجوانانی که در برنامه‌های جامع مهارتی شرکت کرده‌اند، در مقایسه با گروه کنترل :

- نرخ بزهکاری پایین‌تری دارند،
 - سطح اعتماد به نفس و خودکارآمدی بالاتری تجربه می‌کنند،
 - و در فاصله یک سال پس از اتمام دوره، در مشاغل با ثبات‌تری مشغول‌اند.
- همچنین، برنامه‌های پیوند مستقیم با بازار کار از طریق کارآموزی رسمی، اشتغال حمایتی، و کارگاه‌های مهارت‌افزایی منجر به کاهش نرخ بیکاری نوجوانان آسیب‌پذیر در استان‌هایی مانند بریتیش کلمبیا، کبک و انتاریو شده‌اند (گیروکس^۵، ۲۰۰۷، شورای یادگیری کانادا^۶، ۲۰۱۰).
- تحلیل تطبیقی کشور مالزی در توانمندسازی مهارتی نوجوانان آسیب‌پذیر

^۱Canadian Council of Directors of Apprenticeship (CCDA)

^۲Red Seal Program Overview

^۳Graduate Tracking System

^۴Longitudinal Youth Outcomes

^۵Giroux

^۶Canadian Council on Learning

ساختار نهادهای سیاست ها :

مالزی در راستای تحقق اهداف توسعه‌ای خود، به‌ویژه از زمان اجرای برنامه ملی توسعه موسوم به «Vision 2020» و به‌دنبال آن «Shared Prosperity Vision 2030»، سرمایه‌گذاری راهبردی در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای^۱ را در اولویت قرار داده است. ساختار سیاست‌گذاری در این حوزه، چندلایه و بین‌بخشی است؛ مهم‌ترین نهادهای مؤثر در این فرایند شامل موارد زیرند (فضلینا، ۲۰۲۳)

• **وزارت منابع انسانی مالزی^۲ :** متولی اصلی تدوین سیاست‌های ملی مهارت‌آموزی، صدور گواهی‌نامه‌های شغلی، نظارت بر کیفیت آموزش و اجرای چارچوب‌های حرفه‌ای.

• **شورای ملی توسعه مهارت^۳ :** نهاد عالی تصمیم‌گیری که وظیفه بازبینی و تنظیم چارچوب‌های استاندارد شغلی موسوم به NOSS^۴ را بر عهده دارد. (غفور حنفی، ۲۰۲۳)

• **مراکز Kolej Komuniti و GiatMARA :** زیرمجموعه‌های مؤسسه MARA (نهاد دولتی آموزش بومی) که مأموریت آموزش نوجوانان حاشیه‌نشین، ترک‌تحصیل‌کرده یا فاقد حمایت خانوادگی را بر عهده دارند.

• **وزارت آموزش و سازمان‌های خیریه اسلامی :** در قالب نهادهای وقف و زکات، نقش کلیدی در شناسایی گروه‌های آسیب‌پذیر و تأمین مالی آموزشی ایفا می‌کنند.

الگوی حکمرانی مالزی در این حوزه ترکیبی از مداخله‌گرایی دولتی، مشارکت مردمی و محوریت بخش خصوصی است. دولت با سیاست‌های محرک و یارانه‌ای، زمینه حضور نوجوانان کم‌برخوردار را در آموزش‌های مهارتی فراهم می‌سازد، در حالی که بخش خصوصی و سازمان‌های دینی نقش مکمل و اجرایی دارند (ماهیتر بین محمد، ۲۰۱۹).

^۱TVET^۲Fazlina^۳MOHR^۴NSDC^۵National Occupational Skills Standards^۶Ghafur Hanafi^۷MAHATHIR BIN MOHAMAD

محتوای آموزشی و شیوه اجرا :

سیستم آموزش مهارتی مالزی بر اساس مدل «آموزش دوگانه ملی» طراحی شده است که ترکیبی از آموزش نظری در مؤسسات فنی و آموزش عملی در محیط واقعی کار است. این مدل الهام گرفته از الگوی آلمان بوده و با شرایط اقتصادی، فرهنگی و صنعتی مالزی سازگار شده است (نگا، ۲۰۲۵).

ویژگی های کلیدی این سیستم عبارت اند از :

- **دوره های کوتاه مدت و ماژولار** : طراحی شده بر اساس نیاز مشاغل خاص در صنایع کلیدی مانند مکانیک، الکترونیک، فناوری اطلاعات، صنایع غذایی، نساجی و مراقبت های اجتماعی؛
- **تأکید بر مهارت های کارآفرینی دیجیتال و فری لنسینگ** : با هدف افزایش اشتغال در اقتصاد غیررسمی و دیجیتال؛
- **تنوع مسیرهای آموزشی** : نوجوانان می توانند از طریق آموزش رسمی در مؤسسات دولتی، آموزش غیررسمی در جوامع محلی، پلتفرم های آنلاین بومی سازی شده، یا حتی مراکز دینی^۳ وارد مسیر حرفه ای شوند؛
- **برنامه های آموزش مبتنی بر محله و زبان مادری** : در مناطق دورافتاده یا روستایی، آموزش ها به زبان محلی، با معلمان بومی و در محیط های فرهنگی آشنا برگزار می شوند. این رویکرد چندمسیره موجب افزایش نرخ جذب نوجوانان حاشیه نشین، دختران دارای محدودیت فرهنگی، و افراد ترک تحصیل کرده در برنامه های TVET شده است (چشم انداز رفاه مشترک^۴، ۲۰۳۴، ۲۰۱۹)

خدمات اجتماعی و حمایتی مکمل :

یکی از ویژگی های منحصر به فرد در مدل مالزیایی، پیوند ساختار یافته ی آموزش فنی با خدمات رفاهی-اجتماعی است. دولت و مؤسسات اسلامی با همکاری گسترده، اکوسیستمی حمایتی را شکل داده اند که خدمات زیر را در کنار آموزش ارائه می کند:

^۱NDTS - National Dual Training System

^۲Nga

^۳Madrasah-based TVET

^۴Shared Prosperity Vision 2030

• **برنامه ملی AZAM:** یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های توانمندسازی اقتصادی جوانان کم‌درآمد که ترکیبی از مهارت‌آموزی، تأمین ابزار کار، مشاوره کسب‌وکار و پیوند با بازار فروش را فراهم می‌آورد؛

• **بورسیه‌ها و کمک‌هزینه‌های آموزشی (Bantuan Prihati):** برای نوجوانانی که توانایی پرداخت شهریه ندارند؛

• **خدمات وقف و زکات:** شامل اسکان، تغذیه، پوشاک، حمایت درمانی و گاهی حتی پرداخت مستمری برای نوجوانان بی‌سرپرست؛

• **مراکز خاص مانند MySkills Foundation:** با مدل‌های تلفیقی آموزش فنی + مشاوره روانی + تربیت معنوی + مشارکت اجتماعی (از جمله کار داوطلبانه) در مسیر بازسازی هویت فردی نوجوان عمل می‌کنند.

نهادهای خیریه اسلامی با تأکید بر حفظ کرامت فرد و احیای نقش نوجوان به‌عنوان «کارآفرین مسئول» نقش مؤثری در افزایش مشارکت اجتماعی نوجوانان آسیب‌پذیر ایفا کرده‌اند(همان).

نظام ارزیابی، پایش و پیوند با اشتغال :

نظام صدور گواهی‌نامه مهارتی مالزی بر مبنای چارچوب ملی صلاحیت مهارتی طراحی شده است. این نظام، مهارت‌ها را در پنج سطح (از پایه تا تخصصی) طبقه‌بندی می‌کند و مدارک صادرشده دارای اعتبار داخلی و در برخی حوزه‌ها بین‌المللی هستند.

شیوه ارزیابی در این نظام ترکیبی از موارد زیر است :

- پروژه‌های عملی در محیط کار واقعی؛
- مصاحبه‌های فنی و رفتاری؛
- ارزشیابی مستمر در محل آموزش؛
- پرونده مهارتی^۱ به‌عنوان ابزار مستندسازی مسیر رشد نوجوان.

برای نوجوانان آسیب پذیر، مراکز مهارتی با خدمات مشاوره شغلی، ارتباط مستقیم با کارفرمایان محلی، معرفی به مشاغل حمایتی^۱ و توسعه مشاغل خرد^۲ تلاش می کنند مسیر انتقال پایدار به بازار کار را تسهیل کنند.

داده های پس از اجرای فاز دوم اصلاحات TVET در سال ۲۰۱۷ نشان می دهد که نرخ اشتغال در میان نوجوانان کم برخوردار شرکت کننده در این برنامه ها، در بازه ی ۶ تا ۱۲ ماه پس از فارغ التحصیلی، تا ۲۸٪ افزایش داشته است (همان).

تحلیل تطبیقی کشور هلند در توانمندسازی مهارتی نوجوانان آسیب پذیر

ساختار نهادی سیاست ها :

هلند از دیرباز به عنوان یکی از کشورهایی شناخته می شود که موفق شده است **پیوند نظام مند و مؤثر میان آموزش و بازار کار** را در ساختارهای نهادی خود نهادینه کند. در حوزه آموزش های فنی و مهارتی، ساختار سیاست گذاری بر پایه **حکمرانی چندسطحی و مشارکتی** استوار است.

نهاد اصلی سیاست گذار، **وزارت آموزش، فرهنگ و علوم**^۳ است که با همکاری نزدیک **وزارت امور اجتماعی و اشتغال** سیاست های جامع و ترکیبی برای نوجوانان در معرض آسیب طراحی می کند. در کنار آن، مؤسسات آموزش متوسطه حرفه ای موسوم به **MBO**^۴ به عنوان بستر اجرایی نظام آموزش مهارتی، در سراسر کشور فعال هستند و سیاست ها را در قالب برنامه های متنوع اجرا می کنند.

ویژگی برجسته مدل هلند، **شوراهای منطقه ای مهارت**^۵ است که متشکل از نمایندگان کارفرمایان، مؤسسات آموزشی، شهرداری ها، و نهادهای رفاه اجتماعی هستند. این شوراهای در تحلیل نیازهای بازار، طراحی مسیرهای آموزشی، و پایش اثربخشی برنامه ها نقش فعال دارند. همین الگوی

^۱Protected Employment

^۲Micro-Enterprise

^۳OCW

^۴Middelbaar Beroepsonderwijs

^۵Regional Training Councils

مشارکت منجر به طراحی برنامه‌های انطباق‌پذیر و زمینه‌مند با نیازهای واقعی نوجوانان شده است (میس، ۲۰۰۴).

محتوای آموزشی و شیوه اجرا :

آموزش مهارتی در هلند در قالب **چهار سطح از برنامه‌های MBO** ارائه می‌شود که متناسب با سطح تحصیلات پیشین، توانایی‌های شناختی، و اهداف شغلی فرد تنظیم می‌شوند :

- **MBO سطح ۱**: مسیرهای مقدماتی برای نوجوانان بدون مدرک رسمی یا دارای سابقه ترک تحصیل؛

- **MBO سطوح ۲ تا ۴**: مسیرهای فنی-حرفه‌ای کامل در رشته‌هایی مانند فناوری، کشاورزی، مراقبت‌های اجتماعی، هنر، گردشگری، و کسب‌وکار.

در این برنامه‌ها، نوجوانان آسیب‌پذیر اغلب در مسیرهای **BBL^۲** قرار می‌گیرند که ترکیبی از آموزش در محیط آموزشی و کار عملی در محیط واقعی کار است. نوجوانان معمولاً **دو تا چهار روز در هفته در شرکت یا سازمان کار می‌کنند** و باقی روزها در مؤسسات آموزشی مشغول یادگیری نظری و مهارتی هستند.

در ابتدای ورود، با همکاری مشاوران تربیتی و اجتماعی، **برنامه شخصی رشد^۳** برای هر نوجوان طراحی می‌شود که در آن نقاط قوت، نیازهای حمایتی، و مسیر شغلی ممکن مشخص می‌گردد (مرکز اروپایی توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (سدفوپ^۴؛ ۲۰۲۰).

خدمات اجتماعی و حمایتی مکمل :

هلند الگویی پیشرفته از **ادغام آموزش، رفاه و سلامت روان** ارائه می‌دهد. نوجوانانی که از خانواده، مدرسه یا جامعه طرد شده‌اند، در نظام‌های حمایتی چندلایه قرار می‌گیرند که شامل موارد زیر است :

^۱Maes

^۲Beroepsbegeleidende Leerweg

^۳Individual Development Plan

^۴European Centre for the Development of Vocational Training (CEDEFOP).

• برنامه های حمایت مالی نوجوانان بدون درآمد خانوادگی یا بدون همراه :

شامل کمک هزینه آموزش، خوابگاه، حمل و نقل و تغذیه

• مشاوره روانی و روان درمانی : در مراکز آموزشی یا به صورت ارجاعی از سوی

شهرداری ها و نهادهای مراقبت اجتماعی؛

• برنامه های درمان اعتیاد، باز توانی اجتماعی و آموزش مهارت های ارتباطی؛

• خدمات باز پیوند اجتماعی : از طریق مؤسسات خیریه و اجتماعی که نوجوانان را با

جوامع محلی، برنامه های فرهنگی و فعالیت های داوطلبانه درگیر می کنند.

شهرداری ها نقش محوری در شناسایی نوجوانان آسیب پذیر، ارجاع آن ها به برنامه های

آموزش-توانمندسازی، و پیگیری فردی مسیر رشد آنان دارند. این نقش از طریق **دفاتر خدمات**

جوانان^۱ و دفاتر کار شهری صورت می گیرد (سیاست جوانان در هلند،^۲ ۲۰۲۳)

نظام ارزیابی، پایش و پیوند با اشتغال :

نظام ارزیابی در آموزش فنی-حرفه ای هلند بر پایه **ارزیابی عملکرد واقعی، پروژه های**

عملی، مصاحبه های ارزیابی و گزارش های پیشرفت است. این ارزیابی ها در همکاری

مشترک میان مؤسسات آموزشی و کارفرمایان صورت می گیرند و گواهی نامه های صادر شده دارای

ارزش بالا در بازار کار هستند. نظام **پایش کیفیت و ردیابی فارغ التحصیلان** به صورت مرکزی

و منطقه ای توسط نهادهای آموزش و شهرداری ها اجرا می شود. شاخص هایی همچون نرخ اشتغال،

درآمد متوسط، میزان رضایت کارفرما، و ماندگاری در شغل پس از فارغ التحصیلی به صورت دوره ای

تحلیل می شود.

برنامه هایی مانند **Youth Guarantee** تضمین می کنند که هر نوجوان ۱۵ تا ۲۵ ساله

ترک تحصیل کرده یا بیکار، ظرف ۳ تا ۶ ماه در یکی از مسیرهای زیر قرار گیرد :

• مسیر بازگشت به آموزش رسمی؛

• ورود به برنامه کارآموزی؛

^۱Jongerenloket

^۲OECD (2023). Youth Policy in the Netherlands

• استخدام حمایتی یا موقت؛

• اشتغال در مشاغل شهری یا پروژه‌های کار اجتماعی (کمسیون اروپا، ۲۰۲۳)

جدول ۱: خلاصه تطبیقی سیاست‌های مهارت‌آموزی نوجوانان آسیب‌پذیر در چهار کشور منتخب

کشور	پیوند با اشتغال	خدمات مکمل	محتوای آموزشی	ساختار نهادی
آلمان	گواهی رسمی IHK؛ آزمون عملی-نظری؛ اشتغال مستقیم در شرکت‌های محل آموزش	کمک‌هزینه، خوابگاه، مشاوره روانی، مراکز حمایت جوانان ^۲	آموزش دوگانه؛ ترکیب آموزش تئوری و عملی؛ شایستگی محور و ماژولار	حکمرانی مشارکتی با حضور دولت، اتاق‌های بازرگانی، شرکت‌ها و مدارس فنی؛ چارچوب قانونی دقیق
کانادا	گواهی‌های Red Seal؛ ارزیابی عملکردی؛ ردیابی فارغ‌التحصیلان؛ کاهش بزهکاری	مشاوره، تغذیه، اسکان اضطراری، درمان اعتیاد، خدمات پشتیبان تحصیلی	یادگیری انعطاف‌پذیر؛ آموزش شایستگی محور؛ برنامه‌های بازگشتی برای ترک تحصیل کرده‌ها	سیاست‌گذاری ایالتی با هماهنگی فدرال؛ مشارکت NGO ها و مدارس جایگزین
مالزی	مدارک SKM؛ پروژه عملی و مصاحبه؛ پیوند با کارفرمایان محلی از طریق مشاوره شغلی	برنامه‌های زکات، کمک‌هزینه، اسکان، خدمات سلامت و آموزش معنوی	آموزش دوگانه ؛NDTS؛ دوره‌های کوتاه، ماژولار؛ آموزش رسمی، غیررسمی و دینی	سیاست‌گذاری دولتی همراه با نهادهای اسلامی؛ مراکز TVET مثل GiatMARA؛ شورای ملی مهارت
هلند	ارزیابی میدانی + پروژه؛ گواهی معتبر؛ طرح Youth Guarantee برای تضمین اشتغال یا آموزش	حمایت مالی، مشاوره روانی، خدمات اعتیاد، اسکان و بازپیوند اجتماعی	مسیرهای متنوع MBO (۴ سطح)؛ آموزش-اشتغال ترکیبی (BBL)؛ برنامه رشد فردی	مشارکت وزارت آموزش، شهرداری‌ها، کارفرمایان؛ شوراهای مهارت منطقه‌ای

^۱European Commission^۲Jugendhilfe

مدل بومی پیشنهادی برای توانمندسازی مهارتی نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست (ویژه مؤسسه خیریه کوثر - شهرستان گناباد)

چارچوب مفهومی مدل: مرکز مهارت آموزی تحول گرا (TMEC)

هدف کلان: توسعه یک اکوسیستم اجتماعی-آموزشی یکپارچه با محوریت نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست، به منظور عبور آنان از وضعیت آسیب پذیری و وابستگی به مرحله ای از خودکفایی مهارتی، استقلال اقتصادی و مشارکت فعال اجتماعی.

رویکرد اصلی: ترکیب اصول موفق الگوهای جهانی در آموزش مهارتی با اقتضات بومی (فرهنگی، اقتصادی، نهادی) و ظرفیت های خیریه ای در ایران، به ویژه تمرکز بر خیریه کوثر گناباد

ابعاد ساختاری مدل پیشنهادی

جدول ۲: ابعاد ساختاری مدل پیشنهادی

ابعاد	مؤلفه ها	تشریح عملکرد و توجیه تخصصی
بُعد ساختاری	تشکیل «شورای راهبری محلی مهارت آموزی»	با حضور نمایندگان خیریه کوثر، فنی حرفه ای، بهزیستی، شهرداری، کارآفرینان، اصناف و دانشگاه ها برای برنامه ریزی، سیاست گذاری و ارزیابی مستمر
الف) حکمرانی و ساختار نهادی	مأموریت شورا	تحلیل نیاز بازار کار، تعیین اولویت های مهارتی منطقه، طراحی محتوای آموزشی، نظارت بر اثربخشی برنامه ها
	مسیرهای آموزشی سه گانه	(۱) مهارت های فنی کاربردی؛ (۲) مهارت های نرم و زندگی؛ (۳) آموزش های کارآفرینی خرد
ب) طراحی آموزشی و اجرای برنامه ها	الگوی ترکیبی آموزش	آموزش حضوری در کارگاه ها، آموزش مجازی ساده سازی شده، کارآموزی میدانی در مشاغل محلی با مربیان و کارفرمایان
	نقشه مسیر فردی (IDP)	طراحی مسیر اختصاصی برای هر نوجوان بر اساس استعداد، علاقه، سوابق تحصیلی، شرایط خانوادگی و روانی

خدمات اجتماعی، حمایتی و روانی مکمل

جدول ۳: خدمات اجتماعی، حمایتی و روانی مکمل

نوع خدمات	جزئیات تخصصی و پیشنهاد نهادهای همکار
روانی-اجتماعی	مشاوره روان‌شناختی فردی و گروهی، درمان مداخلاتی برای آسیب‌های روانی، جلسات عزت‌نفس، کنترل خشم، آموزش تنظیم هیجان
خدمات حقوقی و حمایتی	مشارکت با کانون وکلای استان، مددکاران اجتماعی، خیریه‌های سلامت برای تأمین دارو، عینک، بهداشت فردی و آموزش حقوق شهروندی
خدمات رفاهی	اسکان اضطراری، تغذیه رایگان یا یارانه‌ای، تأمین پوشاک و لوازم بهداشتی، پوشش بیمه‌ای برای دوره کارآموزی

نظام ارزیابی، پایش عملکرد و اتصال به بازار کار

جدول ۴: نظام ارزیابی، پایش عملکرد و اتصال به بازار کار

مولفه کلیدی	روش اجرایی پیشنهادی
ارزیابی چندلایه	آزمون عملی در محیط واقعی، ارزیابی پورتفولیو، مصاحبه مهارتی با کارفرما
صدور گواهی‌نامه رسمی	با همکاری فنی حرفه‌ای، امکان ترجمه برای فرصت‌های اشتغال آزاد، مهاجرت یا ادامه تحصیل
پایش اشتغال و پیشرفت فردی	ایجاد سامانه ردیابی مهارت‌آموزان با نظارت هم‌ماه و یک‌ساله برای پیگیری اشتغال یا کارآفرینی
مشوق‌های اشتغال‌زایی	همکاری با کارفرمایان محلی با ارائه معافیت بیمه‌ای، پرداخت بخشی از دستمزد، نمایشگاه فروش محصولات مهارتی

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحلیل تطبیقی چهار کشور منتخب نشان داد که موفقیت برنامه‌های مهارت‌آموزی نوجوانان آسیب‌پذیر، به‌ویژه در گذار از آموزش به اشتغال، تابع چهار عامل بنیادین است: نخست، وجود حکمرانی چندسطحی و مشارکتی میان نهادهای دولتی، بخش خصوصی، نهادهای مدنی و محلی، که باعث انسجام سیاست‌ها، تخصیص پایدار منابع و پاسخ‌گویی در اجرا می‌شود (همانند شوراهای مهارت در آلمان و هلند). دوم، طراحی مسیرهای تلفیقی آموزش که ترکیب

آموزش فنی، مهارت‌های نرم و کارآفرینی خرد را شامل می‌شود و با نیاز بازار کار و استعداد فردی هماهنگ است (الگوی کانادا و مالزی). سوم، ادغام خدمات اجتماعی و روانی در فرآیند یادگیری که موجب کاهش ریزش تحصیلی و افزایش ماندگاری در مسیر مهارت‌آموزی می‌شود (نمونه‌های Pathways to Education در کانادا و MySkills Foundation در مالزی). (چهارم، وجود نظام ارزیابی و ردیابی اشتغال پس از آموزش که پیوند میان یادگیری و اشتغال پایدار را تضمین می‌کند) الگوی Youth Guarantee در هلند).

بر پایه این نتایج، الگوی بومی «مرکز مهارت‌آموزی تحول‌گرا» (TMEC) برای ایران طراحی شد که ساختار نهادی آن متکی بر شورای راهبری محلی مهارت‌آموزی و پیوند بین‌بخشی نهادهای خیریه، فنی‌و حرفه‌ای، شهرداری و دانشگاه است. در بُعد آموزشی، سه مسیر مکمل (فنی، نرم و کارآفرینی) با رویکرد آموزش ترکیبی و نقشه مسیر فردی تنظیم گردید. خدمات اجتماعی و روانی نیز به‌عنوان لایه حمایتی برای حفظ استمرار آموزشی و ارتقای عزت‌نفس نوجوانان طراحی شد. نظام ارزیابی عملکرد، صدور گواهی مشترک با فنی‌و حرفه‌ای و «طرح تضمین اشتغال اولیه» نیز مکمل چرخه توانمندسازی هستند.

در نتیجه، مدل کوثر (TMEC) حاصل ترکیب منظم یافته‌های تطبیقی با مقتضیات فرهنگی و نهادی ایران است و می‌تواند با اجرای مرحله‌ای (پایلوت گناباد، توسعه منطقه‌ای، ملی‌سازی) به الگوی سیاست‌گذاری بومی در حوزه توانمندسازی نوجوانان آسیب‌پذیر تبدیل شود. این مدل، از طریق ادغام آموزش، حمایت اجتماعی و پیوند با بازار کار، ظرفیت تحقق عدالت اجتماعی و توسعه انسانی پایدار را در مناطق کمتربرخوردار فراهم می‌کند.

منابع

- Banton-Brown, K. (2020). Teachers creating success stories: Alternative-education programs for at-risk students (Master's thesis, University of Saskatchewan). University of Saskatchewan eCommons. <https://harvest.usask.ca/>
- Busemeyer, M. R., & Trampusch, C. (2011). Review article: Comparative political science and the study of education. *British Journal of Political Science*, 41(2), 413–443.
- Canadian Council on Learning. (2007). State of learning in Canada: No time for complacency. Ottawa.
- Canadian Council on Learning. (2010). State of learning in Canada: A year in review. Ottawa.
- Cedefop. (2016). Vocational education and training in the Netherlands: Short description. Luxembourg: Publications Office of the European Union.
- Cedefop. (2020). Vocational education and training in Germany: Short description. Luxembourg: Publications Office of the European Union. <http://data.europa.eu/doi/10.2801/329932>
- Courtney, M. E., Dworsky, A., Brown, A., & Klodnick, V. V. (2011). Midwest evaluation of the adult functioning of former foster youth: Outcomes at age 26. Chapin Hall at the University of Chicago.
- Dejaeghere, J. G., & Baxter, A. (2013). Entrepreneurship education for youth in sub-Saharan Africa: A capabilities approach as an alternative framework to neoliberalism's individualizing risks. *Progress in Development Studies*, 14(1), 61–76. <https://doi.org/10.1177/1464993413504353>
- De Gobbi, M. (2014). Making youth entrepreneurship work in sub-Saharan Africa: Some factors of success. *Open Journal of Business and Management*, 2, 305–313. <https://doi.org/10.4236/ojbm.2014.24036>
- Employment and Social Development Canada (ESDC). (2023, April 24). Youth employment and skills strategy (YESS). <https://www.canada.ca/en/employment-social-development/services/funding/youth-employment-strategy.html>

European Commission. (2020). Youth Guarantee Country Reports – Netherlands. Employment, Social Affairs & Inclusion.

Eurofound. (2014). Mapping youth transitions in Europe. Luxembourg: Publications Office of the European Union.

Fazlina, M. S., Sumintono, B., & Abdullah, Z. (2023). The implementation of professional learning community: A study in TVET MARA College in Malaysia. *International Online Journal of Educational Leadership*, 7(1), 19–33.

Forum of Labour Market Ministers. (2019). A pan-Canadian framework for the assessment and recognition of foreign qualifications: 10-year anniversary report, 2009–2019. Government of Canada.

Ghafur, A., Ahmad, H. H., Mansor, M. F., & Mustafa, W. A. (2023). An integrated approach in empowering technical and vocational education and training (TVET) for Malaysian Asnaf in the IR4.0 era. *Journal of Advanced Research in Applied Sciences and Engineering Technology*, 30(2), 255–271. https://semarakilmu.com.my/journals/index.php/applied_sciences_eng_tech/index

Haasler, S. R. (2020). The German system of vocational education and training: Challenges of gender, academisation and the integration of low-achieving youth. *Transfer: European Review of Labour and Research*, 26(1), 57–71. <https://doi.org/10.1177/1024258919898115>

Hippach-Schneider, U., Krause, M., & Woll, C. (2007). Vocational education and training in Germany. Cedefop Panorama Series; 138. Luxembourg: Office for Official Publications of the European Communities.

Maes, M. (2004). Vocational education and training in the Netherlands: Short description. Luxembourg: Office for Official Publications of the European Communities.

Mustapha, R. (2017). Skills training and vocational education in Malaysia. In *Education in Malaysia* (pp. xxx–xxx). Springer. https://doi.org/10.1007/978-981-10-4427-4_9

Nga, K. H., Choong, P. W., Kesumo, A., & Leong, K. Y. (2025). Understanding Shared Prosperity Vision 2030 from the Malaysian

grassroots, perspective. *International Journal of Asia Pacific Studies*, 21(1), 61–94. <https://doi.org/10.21315/ijaps2025.21.1.3>

O'Reilly, J., et al. (2019). Comparing youth transitions in Europe: Joblessness, insecurity, institutions, and inequality. In J. O'Reilly et al. (Eds.), *Youth labor in transition: Inequalities, mobility, and policies in Europe* (pp. xx–xx). Oxford Academic. <https://doi.org/10.1093/oso/9780190864798.003.0001>

OECD. (2023). *Youth policy in the Netherlands*. Netherlands Youth Institute.

Pritchett, L. (2002). It pays to be ignorant: A simple political economy of rigorous program evaluation. *The Journal of Policy Reform*, 5(4), 251–269. <https://doi.org/10.1080/1384128032000096832>

Sharpe, A., & Gibson, J. (2005). The apprenticeship system in Canada: Trends and issues (CSLS Research Report 2005-04). Centre for the Study of Living Standards.

Supplee, L. H., & Metz, A. (2015). *Opportunities and challenges in evidence-based social policy*. *Social Policy Report*, 28(4), 1–16. Society for Research in Child Development.

Whitley, J., & Hollweck, T. (2020). Inclusion and equity in education: Current policy reform in Nova Scotia, Canada. *Prospects*, 49(2), 1–16. <https://doi.org/10.1007/s11125-020-09503-z>

Policy Modeling Based on International Experiences for the Skill Empowerment of Orphaned and Vulnerable Adolescents

Mohammad Javad Hosseinzadeh Saljoughi,^۱ Bahareh Moghimi,^۲ Alireza Mehrabi^۳

Abstract:

This study was conducted with the aim of designing a localized model for the skill empowerment of orphaned and vulnerable adolescents, aligned with the mission of the Kosar Charity Foundation of Iran. The research employs a qualitative method based on comparative policy analysis, and data were collected through the examination of official documents, secondary field reports, and statistics from international organizations such as OECD, ILO, UNESCO, and the World Bank. Successful experiences from four selected countries—Germany, Canada, Malaysia, and the Netherlands—were analyzed across four main dimensions: institutional structure and participatory governance, educational content and implementation methods, complementary social and supportive services, and evaluation systems linked to employment. The results showed that the success of these countries depends on multi-level decision-making structures, the integration of technical and soft skills training, the inclusion of psychosocial services in the learning process, and continuous monitoring of employment pathways. Accordingly, the localized model “Transformational Model for Empowerment Center (TMEC)” was designed, combining three educational pathways (technical, soft, and entrepreneurial) with multi-layered support services to guide adolescents from dependency toward self-reliance. This model can be implemented in three phases—local pilot, regional development, and national scaling—and can serve as a framework for achieving social justice, sustainable employability, and human development in less privileged areas.

Keywords: Skill empowerment; orphaned adolescents; orphaned and vulnerable adolescents; Kosar Charity Foundation.

*Assistant Professor, Ph.D. in Management, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Management, Tehran, Iran; University of Applied Science and Technology, Khorasan Razavi Branch, saljoughi@uast.ac.ir

** M.A. in Public Administration, University of Tehran, Faculty of Management, Gonabad, Iran; Kosar University of Applied Science and Technology Center, baharehmoghimi69@gmail.com

*** M.A. in Psychology, Islamic Azad University, Gonabad, Iran; Kosar Charity Institute, mehrabi75@chmail.ir